

تحلیل گفتمان هویت زن مسلمان در سریال پایتخت ۶

نجمه تقوی^۱

چکیده

هدف: دستیابی به گفتمان حاکم بر سریال پایتخت شش از منظر هویت زن مسلمان و شناخت چگونگی بهره‌گیری از نشانه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و جنسیتی در بازنمایی هویت زن مسلمان در این سریال و همچنین دستیابی به ایدئولوژی برجسته معرفی هویت زن مسلمان در سریال پایتخت شش

روش‌شناسی پژوهش: رویکرد این تحقیق کیفی است؛ لذا سیر تحقیق حاضر به این گونه است که با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف هویت زن مسلمان در سریال پایتخت شش مورد پژوهش قرار گرفته است.

یافته‌ها: در این تحقیق مفاهیم برگرفته از صحنه‌ها، نشانه‌های تصویری، دیالوگ‌ها، برداشت از متن، نقاط در تعارض هویت زن مسلمان و نقاط مورد نظر هویت زن مسلمان از جنبه‌های مختلف (فردی، خانوادگی و اجتماعی) در سریال پایتخت شش مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: جمع‌بندی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد سریال پایتخت شش روند موافقی در ارائه هویت زن مسلمان در خانواده و اجتماع نداشته است و آگاهی رسانه‌ای مناسبی برای جامعه در این زمینه انجام نداده است. بنابراین، در الگوهای بازنمایی شده، هویت‌ها، تعاملات و ارتباطات دچار تشتت و سردرگمی است و از فقدان یکپارچگی و انسجام رنج می‌برد و هویت زن در سریال پایتخت شش به صورت سرگردان در حال رفت و آمد بین دو گفتمان هویت اسلامی و گفتمان فمینیستی جاری در غرب است و عمده الگوی هویت زنان در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی به صورت التقاطی تابع هر دو گفتمان است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، هویت، زن مسلمان، سریال پایتخت

مقدمه

با بررسی مفاهیم کلیدی زن و جنسیت از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی در می‌یابیم جایگاه زن در فرهنگ اسلامی به عنوان سازندگان خانواده، سربازان خط مقدم انقلاب، دور بودن از سنت و فرهنگ غربی، دارای ایمان آگاهانه، مایه آرامش و آسایش محیط خانواده و عقیف یاد شده است. در مقابل در فرهنگ غرب و در رسانه‌های جمعی، در طول سال‌های متمادی مسأله زن را در میدان‌های مختلف به صورت یک سرمایه و یک وسیله سوداگری درآورده و به عنوانی ابزاری برای رسیدن به مقاصد خود مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و با استفاده از فرهنگ‌سازی‌های مختلف و تبلیغات

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران nj.taghavi@gmail.com

گسترده اذهان مخاطب را دچار یک وسوسه و گمراهی بزرگ می نمایند. رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون به دلیل تاثیر عمیق اجتماعی و فرهنگی و به دلیل ابعاد فراگیرش به طور خاص از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سریال‌های متنوعی در سیمای جمهوری اسلامی ایران ساخته شد که در برخی از آن‌ها حضور زنان تحت الشعاع فضای فمینیستی قرار گرفته است و سازندگان این سریال‌ها هویت زنان را به گونه‌ای غیر مطلوب و بر اساس سلاقی شخصی و متفاوت از رویکردهای دینی به تصویر می کشند. بر همین اساس ارائه و بازنمایی نامطلوب هویت زن در برنامه‌های سیمای می تواند تاثیرات جدی و مخربی بر پیکره بنیان خانواده، روابط انسانی، سبک زندگی و... بر جای گذارد. بنابراین لازم است این موارد در سریال‌های تلویزیونی شناسایی شود تا از این طریق در حوزه‌های تولید، سیاست‌گذاری و نظارت بر تهیه و پخش چنین آثاری تجدید نظر صورت گیرد و تلاش گردد تا بیش از پیش رویکردها و جهت‌گیری‌های اسلامی و دینی ما مورد توجه قرار گیرد.

در پژوهش حاضر ضمن بررسی ساحت‌های مختلف رمزگذاری، استفاده از نشانه‌های رسانه‌ای، فرهنگی و جنسیتی برای هویت زن مسلمان در سریال‌های تلویزیونی سیمای جمهوری اسلامی (مورد مطالعه سریال پایتخت شش) به تبیین چگونگی معرفی هویت زن مسلمان و شناخت گفتمان‌های موجود در سریال پایتخت شش خواهیم پرداخت. در واقع سوال اصلی و هدف اصلی از تحقیق حاضر این است که به این نتیجه برسیم گفتمان حاکم بر سریال پایتخت شش از منظر هویت زن مسلمان به چه صورت است؟ و در بخش‌های مختلف به بررسی و تبیین شخصیت زنان از منظر هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان در این سریال بپردازیم و همچنین در تلاشی به شناختی از نشانه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و جنسیتی استفاده شده در بازنمایی هویت زن مسلمان در سریال پایتخت شش دست پیدا کنیم.

هویت (Personal identity)، یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع می‌باشد. بی‌گمان، می‌توان گفت که هویت از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هرگونه زندگی جمعی است. هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القاء می‌کند و یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد (چیت ساز قمی، ۱۳۸۳: ۷۴).

بررسی آیات الهی در مورد خلقت زن و مرد نیز نشان می‌دهد در تمامی اموری که به انسانیت آنها مربوط می‌شود، وحدت و تساوی وجود دارد و منشأ خلقت، نفس واحدهایی است که سرمایه‌های گوناگونی در آن پیش‌بینی شده است. انسان از آن‌جا که موجودی دارای تکلیف و اختیار است، همواره در پی کمال مطلق و مقصد نهایی و خوشبختی همیشگی است و به سوی آن در حرکت است و تا به اوج کمال ذاتی نرسد خوشبختی حقیقی را نمی‌یابد و کمال ذاتی نیز همان کمال عقلی، خلقی و جسمی است که در دستیابی به آن تفاوتی میان زن و مرد نیست. قرآن کریم با بیان معنوی بودن فضایل و رذایل، افتخارات دنیوی و طبیعی را نفی نموده، تفاوت‌هایی را که به جنسیت، نژاد و مانند آن بازگردند، با الفاظ صریح نفی کرده است و تقوای الهی را محور اصلی برای شناخت فضایل و رذایل معرفی می‌کند (حجرات: ۱۳). هویت دینی زن مسلمان به معنای ویژگی‌ها،

منزلت، حقوق و وظایفی است که هویت یک زن مسلمان را در ابعاد انسانی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعیین می‌کند، که دارای ابعاد زیر می‌باشد: ۱- از منظر انسانی: برابری زن و مرد در آفرینش. ۲- از منظر خانوادگی: نقش و جایگاه زن در خانواده به عنوان همسر و مادر. ۳- در مقوله اجتماعی- اقتصادی: مسائل مربوط به مالکیت، عفاف و حضور زنان در اجتماع. ۴- در مقوله سیاسی: مشارکت سیاسی، زمامداری، جهاد زنان (رفعت جاه و روح افزا، ۱۳۹۱: ۶۹).

در آموزه‌های اسلام، ارزش‌های انسانی که ملاک سنجش انسان‌هاست برای زن و مرد به طور یکسان ترسیم شده است. چون خاستگاه ارزش‌ها و فضائل نفس و روح انسان است نه جسم او و زن و مرد در نفس و روح تفاوت ندارند. جسم متفاوت زن و مرد و خصایص و ماهیت جسمی هریک از «منشأ تفاوت زن و مرد» آن‌هاست؛ امری که با توجه به واقعیت‌نگری قرآن و برای مشکل‌گشایی در آیات قرآن انعکاس پیدا کرده است. اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست و اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است. زن و مرد به لحاظ تکوینی (یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات) کاملاً از یکدیگر متمایزند. به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند. بنابراین، اختلاف و تمایز میان آن‌ها لازمه صفتشان است و بر این اساس، تفاوت حقوقی میان آن‌ها ضروری است. بر همین اساس، تکلیف الهی که شرط آن داشتن آگاهی، قدرت و اختیار است، به همه انسان‌ها تعلق می‌گیرد و به جنس خاصی اختصاص ندارد. بدین ترتیب، در نگرش الهی به زن، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی دو جنس، استقرار عدالت و تداوم نظام حیات بشر و تجلی و تبلور گوهر انسانیت در سایه تحقق تکالیف متقابل افراد امکان‌پذیر است (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۶۰). بین اندیشمندان اسلامی، نظر امام خمینی، به عنوان بنیان‌گذار یک تحول اجتماعی عظیم نیز مورد توجه است. نگاه ایشان به زن نگاهی دقیق و مورد تأمل است. ایشان در تبیین جایگاه زنان بر هویت انسانی تأکید دارد و می‌فرماید: از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خود را همچون مرد دارد. در خصوص نقش‌های اجتماعی نیز، دخالت در امور سیاسی را وظیفه همه اقشار جامعه می‌دانند و زنان را نیز در این امر مؤثر می‌دانند. امام خمینی نقش زنان در پیشبرد انقلاب اسلامی را به دلیل نقش‌آفرینی خود آن‌ها و همچنین تشجیع و تشویق مردان منحصر به فرد بیان کردند. در بیانات حضرت امام خمینی، در کنار حضور اجتماعی زنان، تأکید بر خانواده و نقش‌های خانوادگی زن نیز دیده می‌شود و توجه به جایگاه مادری در حدی است که مادری به عنوان بالاترین شغل بیان می‌شود و بر همین اساس نقش زن را بالاتر از نقش مرد می‌داند: نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است، برای اینکه بانوان علاوه بر خود، که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا می‌خواستند (نیک‌خواه قمصری و صادقی فسائی، ۱۳۹۱: ۲۳).

بین نظریه‌های مختلف در باب مسئله زنان، نظر اسلام جامعیت بیشتری دارد و برخلاف دیگر نظریه‌ها، که عموماً در قالب واکنشی به محیط پیرامون و مشکلات موجود زنان شکل گرفته است، نظر اسلام به صورت ایجابی و فارغ از چیستی

وضعیت موجود به تبیین دیدگاه خود پیرامون مسئله زن پرداخته است.

تحقیقات مربوط به زنان و رسانه‌های تصویری به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر می‌گردد. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد این رسانه‌ها زنان را در نقش‌های جنسیتی متفاوتی نمایش می‌دهد. در میان پژوهش‌های خارجی مرتبط و جدید پیرامون این موضوع، پژوهش‌های دهه ۱۹۹۰ از ادامه تغییرات در نمایش تصویر زنان و بعضاً جابجایی نقش‌ها در فیلم‌های تلویزیونی آمریکا و اروپا حکایت دارند. این تغییرات در گونه‌های تلویزیونی همچون سریال‌های خانوادگی نشان می‌دهد زنان مجرد، زنان شاغل و فعال و اجتماعی همانند دیگر خصلت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. در ایران نیز پژوهش‌های در خور توجهی به بازنمایی زنان در رسانه‌های تصویری پرداخته‌اند که با بررسی کلیدواژه‌های زن مسلمان، رسانه و سریال پایتخت می‌توان به سرفصل‌های ذیل اشاره کرد:

- سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی "جایگاه زنان در گفتمان رهبران/انقلاب/اسلامی" پرداخته‌اند. پژوهش به صورت مداوم بر مقوله‌هایی همچون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان تأکید کرده و با ترفیع جایگاه زنان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی مبین وظیفه زن در ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام است.
- بانکی‌پور (۱۳۹۳) در خصوص زن در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای مجموعه‌ای پنج جلدی با عنوان کلی "نقش و رسالت زن" ذیل موضوعات «عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی اسلامی»، «الگوی زن»، «زن و خانواده»، «جایگاه و مسائل زنان در اسلام و تجدد» و «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» تدوین کرده است.
- کرمانی (۱۳۹۰) کتابی با عنوان "زن و بازیابی هویت حقیقی" در چهار حوزه، کلیات، بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی منتشر کرده است. عمده آنچه در این کتاب دیده می‌شود تنظیم بیانات آیت الله خامنه‌ای در قالب سرفصل‌هایی است که فاقد نظام و شاکله‌ای دقیق بین این موضوع با دیگر موضوعات است.
- هرمزی‌زاده، صلواتیان و قاسمی تبار (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی «پایتخت»" را منتشر کرده‌اند که هدف از این پژوهش مطالعه بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی «پایتخت» است و از روش نشانه‌شناسی جان فیسک بهره برده شد و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از دلالت‌های فرهنگی بر روابط سرشار از صمیمیت و نزدیکی اعضای خانواده دلالت دارند.

- فتحی‌نیا و زردار (۱۳۹۲) در پژوهش "بازنمایی اقوام/ ایرانی در مجموعه‌های پربیننده تلویزیونی" به نحوه بازنمایی مازنی‌ها در مجموعه تلویزیونی پایتخت و شناسایی رمزگان‌ها و کلیشه‌های مورد استفاده در این بازنمایی پرداخته شده‌اند.

- فلاح برندق و هرمزی‌زاده (۱۳۹۳) پژوهش "نشانه‌شناسی سریال‌های پربیننده با تاکید بر اخلاق؛ مطالعه موردی سریال پایتخت" را تهیه و منتشر کرده‌اند که این مقاله به نشانه‌شناسی مقوله‌های اخلاقی در سریال پایتخت پرداخته است. با استفاده از نظریات اخلاقی مطرح شده در چارچوب نظری این تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از روش نشانه‌شناسی پنج رمزگان بارت استفاده شده است و نشان می‌دهد فضای حاکم بر شهر تهران به گونه‌ای است که افراد برای حل مشکلات‌شان دست به کارهای غیر اخلاقی می‌زنند و انجام برخی رفتارهای غیر اخلاقی، موجب رسیدن به اهداف می‌شود.

- حاتمی و مذهبی (۱۳۹۰) در پژوهش "رسانه و نگرش زنان به هویت جنسی خود" هویت جنسی زنان و ارتباط آن با رسانه‌های مدرن و تغییرات منتج از آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

در مجموع پیشینه‌های مورد بررسی، یا در مصادیق خود، سریال پایتخت را از مناظر دیگری مورد بررسی قرار دادند یا اینکه موضوع و مفهوم زن را با رویکرد متفاوت از هدف این تحقیق، مورد پژوهش قرار دادند. بنابراین هیچکدام با رویکرد اسلامی هویت زن به تحلیل گفتمان سریال پایتخت ۶ پرداخته‌اند.

روش‌شناسی

هدف تحلیل گفتمان آن است که نشان دهد چگونه زمینه (بافت)های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن تأثیر می‌گذارند و نیز چگونه گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای یادشده تأثیر می‌گذارد (فرقانی، ۱۳۸۳: ۳۴). تحلیل گفتمان یک اصطلاح برای مطالعه قسمت اعظم زبان است و به طور کلی شامل تنوع رویکردها و دیدگاه‌های مختلف با روش‌های گوناگون زیادی است. در جایی دیگر اضافه می‌گردد که تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از روش‌ها و تئوری‌ها برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نحوه تبیین او متأثر از رابطه میان قدرت و زبان است. فرکلاف، رابطه قدرت و زبان را از دو بعد مورد توجه قرار می‌دهد. قدرت در زبان *power in language* و قدرت پشت زبان *power behind language*. فرکلاف، مفهوم قدرت در زبان را که از دیدگاه وی موجب کنترل فرد فاقد قدرت به وسیله فرد صاحب قدرت می‌شود به سطح کلان اجتماعی نیز تعمیم می‌دهد. او هر نظام اجتماعی را حاوی گفتمان‌هایی می‌داند که به واسطه دانش‌ها و اعتقادات (مضامین)، روابط و هویت‌های اجتماعی، موقعیت‌های فاعلی صاحبان قدرت (صاحبان گفتمان مسلط) را به کنترل

فرزندان، تزلزل پیوندهای خانوادگی و ... هستیم. طبق تحلیل هایی که گذشت، عمده الگوی هویت زنان در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی به صورت التقاطی تابع هر دو گفتمان است.

بررسی نحوه انطباق گفتمان حاکم در سریال با نظریه اسلام

تحلیل ها نشان می دهد اکثر زنان به تصویر کشیده شده در فیلم ها از برگزاری مناسک دینی به عنوان اصلی ترین مشخصه های زن مسلمان برخوردار نیستند. با تمام تأکید اسلام بر فرائض دینی به عنوان پل ارتباطی بنده و پروردگار خویش و مواهبی که هر شخص می تواند از انجام اعمال دینی برخوردار شود اما فیلم ها و سریال های پرمخاطب به خصوص سریال پایتخت شش اندازه موثری از این مناسک و لزوم وجود آنها در زندگی یک زن صحبتی به میان نیاورد و در حقیقت این مسأله را برجسته سازی و به جامعه آگاهی رسانی نکرد. این در حالیست که اسلام این اعمال دینی را مایه آرامش و مانع بروز بسیاری از گناهان و خلاف های اجتماعی می داند. لازم به تأکید است که از نظر اسلام ارتباط با پروردگار از مهم ترین گزینه های داشتن یک هویت موفق و گریز از پوچی در زندگی افراد است. البته در فصول گذشته سریال پایتخت به مناسکی مانند نماز جماعت و نماز اول وقت و ... اشاراتی شده بود اما در این مجموعه علاوه بر کم رنگ شدن تقییدات مذهبی به نحوی به گروهی از افراد متدین هم خرده هایی گرفته شد که علامت مهر روی پیشانی و به سخره گرفتن آن توسط ارسطو تایید این مطلب است. از دیگر مشخصه های اصلی زن مسلمان داشتن حجاب تعریف شده در چارچوب حجاب اسلامی است. از نظر تصویری آنچه از تحلیل ها بر می آید آن است که زنان حاضر در این سریال دارای پوشش چادر که حجاب برتر از نظر اسلام معرفی شده نبودند و عمدتاً دارای پوششی هستند که نه آنچنان به قوانین اسلام نزدیک است و نه کاملاً قابل قبول عرف حاکم بر جامعه ایران است. استفاده لباس های با رنگ هایی که جلب توجه نامحرم را در پی دارد و برخلاف قوانین اسلام است امری کاملاً معمولی در این سریال به نظر می رسد. آرایش کردن مخصوصاً در لفافه گریم و تلاش برای زیباسازی چهره به وفور در این سریال دیده می شود. تمامی این موارد از مصادیق "تبرج" است که در اسلام مؤکداً نفی شده است. نکته حائز اهمیت آن است که بیشتر زنانی که در مجموعه های پایتخت حجاب کامل (چادر) دارند در سنین میان سالی و پیری قرار دارند و از نظر تحصیلات و شغل در سطح بالای اجتماعی نیستند. این نشان می دهد تلویزیون ایران بیشتر از برجسته ساختن هویت زن مسلمان، تلویحاً متضاد آن را به جامعه تزریق کرده است بدین صورت که "حجاب برای قشر جوان، تحصیل کرده و فعال در اجتماع نیست." و از سویی دیگر بسیاری از سکانس ها نه تنها بازیگرانی با پوشش مناسب ندارد بلکه بصورت غیرمستقیم به تماشاگر القا می کنند که الزاماً زن خوب زن با حجاب کامل نیست اگر چه در اسلام داشتن حجاب شرط کافی برای زن کامل بودن نیست اما مطمئناً حجاب شرط لازم برای مسلمان بودن یک زن و آغاز بسیاری از محاسن تعریف شده در اسلام است. در اسلام کانون خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است و زن و مرد به عنوان دو ستون خانواده موظف به تشکیل و حفظ یک خانواده سالم اسلامی هستند. در این بخش این سریال

اگر چه تلاش‌هایی برای ارائه مفاهیم صحیح خانوادگی داشته است اما در این راه دچار برخی لغزش‌ها از جمله عادی‌سازی روابط زن و مرد قبل از ازدواج و روابط آزاد دختر و پسر و به تصویرکشیدن رفتارهای خارج از عرف شده است .

نتیجه‌گیری

۱- همانطور که در فصل یافته‌های تحقیق به آن رسیدیم هویت زن مسلمان در سریال پایتخت شش به صورت سرگردان در حال رفت و آمد بین دو گفتمان هویت اسلامی و گفتمان فمینیستی جاری در غرب است و هویت شخصیت‌ها در این سریال تا حدی متأثر از فرهنگ اسلامی ایرانی است و آسیب‌های موجود در سریال ناشی از تأثیرپذیری از فرهنگ و هویت غربی است که در جامعه رواج یافته است.

۲- یافته‌های این تحقیق از منظر هویت فردی زنان در سریال پایتخت شش نشان می‌دهد آنان در این سریال در نقش‌های سنتی ایرانی به خوبی نشان داده شده‌اند اما تحلیل گفتمان بخش‌های ذکر شده این فصل از سریال موید این مطلب است که نه تنها به هویت فردی مورد نظر اسلام پرداخته نشده است که در بسیاری از موارد هویت فردی زنان را برخلاف آموزه‌های دینی برجسته کرده‌اند از جمله: شیء بودگی زنان، حسادت‌های کلیشه‌ای زنانه، خشونت زنانه، رفتارهای غلط مرد ستیزانه و...

۳- در بخش هویت خانوادگی ارزشمندی خانه و خانواده، توجه به همسر و فرزندان ویژگی مشترک زنان این سریال از منظر هویت خانوادگی است. اما در کنار این نقطه قوت که الگوی مهم یک بانوی تراز اول ایرانی اسلامی است، ویژگی‌های مشترک متعارض دیگری در ارتباطات خانوادگی این شخصیت‌ها به چشم می‌خورد که این خصوصیات، دور شدن از اصول مورد نظر اسلام در خانواده را به همراه داشته است از جمله: ترجیح علاقه‌مندی‌های شخصی به وظایف خانوادگی در زنان، منفعت طلبی زنان در خانواده و زندگی مشترک، احساسی عمل کردن در مشکلات و مسائل زندگی، برتری جویی نسبت به مردان و تحقیر آنان و...

۴- هویت بازنمایی شده از منظر اجتماعی در تعدادی از زنان در این سریال به صورت رفتاری عاقلانه و مدبرانه تبیین شده است که البته در کنار این نسبت قابل قبول و منطقی، رفتارهای متعارضی مانند: برخوردهای توهین آمیز، حساسیت‌های غیرمنطقی، روابط اجتماعی خارج از عرف زنان با جنس مخالف، خودنمایی زنان در برخوردهای اجتماعی و مواردی از این قبیل به وفور در صحنه‌های مختلف این سریال مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

۵- سریال پایتخت که اینک قریب به یک دهه است که در بین مخاطبین رسانه به محبوبیتی قابل توجه دست یافته تنها دلیل موفقیتش زندگی معمولی و عادی خانواده "نقی معمولی" و یکپارچگی و صمیمیت بین اعضای خانواده مقابل دوربین بود که متأسفانه رفته رفته این سریال رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و پایتخت شش که سرآغاز به نسبت جدیدی برای خانواده نقی معمولی به شمار می‌رود دچار افت کیفی زیادی گردید. رمزگان فنی به کار گرفته شده در این سریال از جمله لباس بازیگران، گریم آن‌ها، موسیقی‌های بکار گرفته شده در سریال، نماها و زاویه‌های مختلف

دوربین سعی در نشان دادن تغییر هویت زنان از سنت به مدرنیته را دارد که و موجب یک گسست فرهنگی، هویتی نیز شده است. به طوری که شخصیت‌ها به شدت مصنوعی و تک بعدی شده و مخاطب به سختی می‌توانست به آن‌ها ارتباط برقرار کند. حتی مهم‌ترین شخصیت این سریال که در فصل‌های گذشته به عنوان زنی عاقل و منطقی نشان داده میشد در این فصل دچار تغییر و تحولات فراوانی شد که از الگو و زبانزد بودن فاصله زیادی گرفت.

۶- در شرایط فعلی که رسانه ملی نیاز مبرمی به تولید برنامه‌های خانوادگی دارد، مجموعه پایتخت به عنوان یک گنجینه ارزشمند به شمار می‌رود و همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، می‌توان با تدبیر و یاری از بدنه کارشناسی قدرت نفوذ و تأثیرگذاری آن را در روند رشد اخلاق مداری جامعه را ارتقاء داد. زمانی که به ویژگی‌های هویت زن توجه کنیم، اهمیت بازنمایی هویت زن مسلمان در سریال‌های چند فصلی پرمخاطب بیشتر روشن می‌شود. با توجه به موارد فوق، تحلیل نهایی از تقابل گفتمانی در فصل شش پایتخت نشان می‌دهد شواهد و مؤیداتی وجود دارد که در این فصل، قصد سازندگان سریال بازنمایی تقابل دو نوع هویت زن ایرانی- اسلامی و هویت زن در فرهنگ غربی یا لاقابل این پیام را دارد که هویت زن مسلمان در جامعه ایران، تحت تأثیر علل و عواملی گرایشاتی به سوی هویت زن در فرهنگ غربی یافته است. تحقیق حاضر بدنبال آن بود که بداند سریال پایتخت شش به چه میزان بایدهای اسلامی هویت زن را برای جامعه به تصویر کشیده است. یافته‌ها نشان داد که این سریال از این منظر آنچنان موفق نبوده است. باید گفت زن ایرانی در خطر بحران هویت قرار دارد و این زنگ خطری است برای خانواده‌ها و کلیه ارگان‌های دولتی ذی‌ربط. با توجه به در دسترس بودن دین مبین اسلام در ایران و اهمیت جنبه هویتی زن مسلمان لازم بنظر می‌رسد که علاوه بر نگاه صرفاً معنوی و اخروی‌گرایی به قرآن و اسلام، پژوهشگران در پی آن باشند که مولفه‌های هویت زن مسلمان را استخراج و در قالب‌های جدید و نوین به جامعه رسانه‌ای ارائه نمایند، چرا که راه آخرت از دنیا می‌گذرد و علاوه بر جنبه اخروی این امر، شاهد پیشرفت در زمینه‌های تولیدات رسانه‌ای بر اساس مبنای اسلامی باشیم.

پیشنهادهای

به دلیل پرمخاطب بودن سریال پایتخت و اهمیت بازنمایی هویت زن مسلمان به پژوهشگران توصیه می‌شود فصل‌های گذشته مجموعه پایتخت را از همین منظر مورد تحلیل گفتمان انتقادی قرار داده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را بررسی نموده و با تفسیر مناسبی که از گفتمان‌ها بدست می‌آید، جمع بندی متقنی از هویت زن مسلمان در این سریال به دست آید.

با توجه به این که دین مبین اسلام پایه و قوام خانواده را متکی به زن و مرد در کنار یکدیگر می‌داند و پیرامون هویت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی هر دو جنس (زن و مرد) تأکیدات فراوانی دارد شایسته است پژوهشگرانی هم به جایگاه و هویت مرد در فصل‌های مختلف سریال پایتخت پرداخته و به موضوعات پژوهشی، رسانه‌ای پیرامون مردان که در اسلام نیز بر اهمیت جلوه داده شده است بپردازند.

منابع:

قرآن کریم

- ۱- اسماعیلی، مرضیه (۱۳۹۰). *حمایت از منزلت زن در تبلیغات بازرگانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲- بانکی پور، امیرحسین (۱۳۹۳). *نقش و رسالت زن*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۳- بشیر، حسن (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۴- پیشوایی، فریده (۱۳۹۹). *نشانه شناسی گفتمانی ارتباطات خانوادگی، تعاملات اجتماعی و کنش‌های سیاسی در فصل ششم سریال پایتخت*. قم: دین و رسانه. وابسته به اداره کل پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- چیت‌سازقمی، محمدجواد (۱۳۸۳). *گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت*. تهران: جهاد دانشگاهی
- ۶- حاتمی، محمدرضا؛ مذهبی، سارویه (۱۳۹۰). *رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود*. تحقیقات فرهنگی ایران. ۴ (۲)، ۱۸۵-۲۰۹
- ۷- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نگاه دانش
- ۸- ذکائی، سعید (۱۳۸۱). *نظریه و روش در تحقیقات کیفی*. فصلنامه علوم اجتماعی. ۹ (۱۷)، ۶۹-۴۱.
- ۹- رفعت‌جاء، مریم؛ روح‌افزا، فائزه (۱۳۹۱). *مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش هویت دینی زن مسلمان*. *مسائل اجتماعی ایران*. ۳ (۲)، ۹۲-۶۱.
- ۱۰- زردار، زرین؛ فتحی‌نیا، محمد (۱۳۹۲). *بازنمایی اقوام ایرانی در مجموعه‌های پریننده تلویزیونی*. *مطالعات فرهنگی - ارتباطات*. ۱۴ (۲۴)، ۶۲-۴۱.
- ۱۱- سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۷). *جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی*. زن و جامعه. ۹ (۲)، ۱۵۳-۱۳۳
- ۱۲- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب*. *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۱ (۴۲)، ۴۳-۷۸
- ۱۳- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۳). *راه دراز گذار*. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه
- ۱۴- کرمانی، طوبی (۱۳۹۰). *زن و بازیابی هویت حقیقی*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۵- کیانی، زهرا (۱۳۹۸). *اصول و روش‌های روانشناختی تاثیر زن مسلمان در تربیت اخلاقی کودک با تاکید بر آموزه‌های اخلاقی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مجازی جامعه المصطفی العالمیه.
- ۱۶- نیک‌خواه قمصری، نرگس، صادقی‌فسائی، سهیلا (۱۳۹۱). *زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)*. زن در فرهنگ و هنر. ۴ (۲)، ۲۴-۵
- ۱۷- هرمزی زاده، محمدعلی؛ فلاح برندق، مهدی (۱۳۸۸). *نشانه شناسی سریال‌های پریننده با تاکید بر اخلاق*. مطالعه موردی سریال «پایتخت». رادیو تلویزیون. ۱۰ (۲۳)، ۶۴-۳۱
- ۱۸- هرمزی زاده، محمدعلی؛ صلواتیان، سیاوش؛ قاسمی تبار، سیده‌ادی (۱۳۹۷). *بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های*

Critical Discourse Analysis of Muslim Female Identity in Paytakht 6

Abstract

Research Aim: To achieve the dominant discourse in the Capital Six series from the perspective of Muslim women and to recognize how to use cultural, media and gender symbols in the representation of Muslim women in this series and also to achieve a prominent ideology of introducing Muslim women. In the Capital Six series
Research method: The approach of this research is qualitative; Therefore, the course of the present study is as follows: Using the method of critical discourse analysis of Fairclough Muslim Muslim identity in the series Capital Six has been studied.
Findings: In this study, concepts taken from scenes, visual cues, dialogues, interpretations of the text, points of conflict in the identity of Muslim women and points of Muslim Muslim identity from different aspects (individual, family and social) in Capital Six series are examined. has taken.

Conclusion: Summarizing the findings of this study shows that the Capital series has not had six successful trends in presenting the identity of Muslim women in the family and community and has not provided proper awareness to the community in this regard. Thus, in the represented patterns, identities, interactions, and communications are fragmented and suffer from a lack of integration and cohesion, and the female identity in the Capital Six series wanders between the two discourses of Islamic identity and the current feminist discourse. It is in the West and the major pattern of women's identity at the individual, family and social levels is eclectic in both discourses.

Keywords: Discourse Analysis, Female Identity, Muslim Woman, Capital Series